

پیشگفتار مترجم

من به کسی که آرزویی برای آموختن ندارد
تعلیم نخواهم داد. همچنین هیچ مطلبی را برای
کسی که خود در جستجوی درک آن نیست،
توضیح نخواهم داد.

کنفوسیوس

شاگردان معمولاً می‌دانند که چگونه فکر کنند و بیاموزند، اما نه به آن اندازه که در توان آنهاست؛ بنابراین هدف عمده آموزش باید وادار کردن آنان به تفکر باشد. اولین مسئولیت استاد در این مورد این است که شاگردان را از مرحله به یادسپاری مطالب به مرحله تفکر و حل مشکلات سوق دهد. یافتن راه حل مناسب، اساس یادگیری نحوه تفکر است که باید به شاگردان تعلیم داده شود. بیشتر استادان معتقدند که با از میان برداشتن موانع در محیطهای آموزشی که شاگردان را از فکر کردن باز می‌دارد، باید آنها را کمک و تا حدی وادار کرد تا برای یادگیری توأم با تفکر وقت بیشتری صرف کنند. از آنجا که یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت، پرورش شیوه تفکر انتقادی در افراد است، در امر آموزش می‌بایست ضمن تقویت روحیه انتقاد پذیری در استادان، روحیه انتقاد کردن و زمینه بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد. در این کتاب، نویسندگان نگرش تفکر انتقادی در آموزش را از جهات مختلف بررسی می‌کند و به چگونگی آن می‌پردازد و پیشنهادهایی عملی برای به کارگیری این نگرش در آموزش ارائه می‌دهد.

خدایار ایلی

پیشگفتار مؤلف

در سالهای اخیر متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی توانایی شاگردان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده‌اند. رشد و پرورش مهارت‌های فکری شاگردان همیشه مسأله‌ای پیچیده در آموزش بوده، ولی امروزه حالتی بحرانی به خود گرفته است؛ چون برون‌داد اطلاعاتی فرهنگی ما از قدرت تفکر انتقادی ما درباره آن اطلاعات فراتر رفته است. به‌رغم وجود مطالب فراوانی درباره این موضوع، استادان برای بهبود تفکر شاگردان خود، پیشنهادهای اندکی ارائه داده‌اند. بیشتر این مطالب بسیار نظری است و با موارد عملی‌ای که استادان و شاگردان همواره با آن مواجهند فاصله زیادی دارد.

هدف این کتاب کمک به از بین بردن شکاف میان نظریه و عمل در آموزش تفکر انتقادی است. نگارنده در مقام یک استاد دانشگاهی به جنبه‌های عملی آموزش می‌پردازد. در این کتاب، ضمن ارائه الگوهای ویژه برای تکالیف و تمرینات شاگردان، چهارچوبی نیز پیشنهاد شده که می‌تواند استادان را در توضیح درک خود از تفکر انتقادی کمک کند.

بیشتر کتابهایی که در زمینه تفکر انتقادی نوشته شده است، بر اصول منطقی یا بر مهارت‌های کلی حل مسأله تأکید می‌کنند. این کتاب با کتب دیگر در این زمینه تفاوت دارد، چون نویسنده آن معتقد است که روشهای تفکر انتقادی در رشته‌های مختلف فرق می‌کند؛ برای مثال نحوه برخورد پزشکان با این مسأله با نحوه برخورد مورخان یا اقتصاددانان یکسان نیست؛ بنابراین تفکر انتقادی در رشته‌های گوناگون باید به شیوه‌های مختلف توسعه یابد. در نتیجه، استادان کلیه رشته‌ها باید تفکر انتقادی را بوضوح آموزش دهند.

همچنین این کتاب با توجه به تأکید بر اهمیت عوامل شخصی و ذهنی با نوشته‌های گذشته (سنتی) در زمینه تفکر انتقادی تفاوت دارد و بدون تخطئه نگرش منطقی و عینی

معمول در بسیاری از علوم و رشته‌های دیگر، بر آن است که علائق شخصی، احساسات، تعهدات و عوامل هنرشناختی، مانند زیبایی، راز و شگفتی در ایجاد رفتارهای لازم برای تفکر انتقادی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

سرانجام، تأکید این کتاب بر این است که شاگردان باید با پشت‌سر گذاشتن فرایندهای فکری مشکل، تفکر انتقادی را فعالانه تمرین کنند. شاگردان پیش از اینکه بتوانند چهارچوبی برای تفکر انتقادی در رشته خود بسازند باید واژه‌ها، مفاهیم و روشهای اصلی رشته خود را خوب بیاموزند. فقط در این صورت است که تجسس، پرسش و تجزیه و تحلیل شروع می‌شود. مهارتهای تفکر انتقادی در یک محیط بحث و تبادل فکری و حل مسأله به بهترین وضعی توسعه می‌یابد. شاگردان صرفاً از طریق گوش دادن به سخنرانی استاد درباره تفکر انتقادی مطلب چندانی نمی‌آموزند.

مروری بر مطالب کتاب

این کتاب در سه بخش تدوین شده است. در بخش نخست، مفاهیم اصلی مربوط به آموزش تفکر انتقادی ارائه شده است. بحث فصل اول پیرامون این مطلب است که منطق و حل مسأله به منزله ابزار آموزش تفکر انتقادی دارای محدودیتهای جدی هستند. در این فصل همچنین مطالبی برای بررسی تفکر انتقادی در قالب نظرگاههای خاص تربیتی ارائه شده است. در فصل دوم چهارچوبی برای کمک به استادان در درک چگونگی آموزش فرایند تفکر انتقادی عرضه می‌شود. این چهارچوب، علم شناخت، نظریه رشد و بویژه اثر ژان پیاژه را مطرح می‌سازد.

بخش دوم این کتاب بر جنبه‌های عملی آموزش در کلاس درس تأکید می‌کند. در آغاز این بخش (فصل سوم) به دو برنامه‌ای که در آموزش رفتارها و مهارتهای تفکر انتقادی شاگردان موفق بوده‌اند، اشاره شده است. در فصل چهارم، نویسنده معتقد است که احساس رمز و معما و تمایل به تعمق و اکتشاف عوامل اساسی انگیزشند که در پرورش مهارتهای تفکر انتقادی لازم است. در این فصل، پیشنهادهایی نیز برای ایجاد محیط درسی که باعث تشویق این گرایشها می‌شود، ارائه شده است. فصل پنجم به استادان در

ایجاد کلاس درس واکنش متقابلی که در آن روشهای بحث و حل مسأله به منزله راهبرد اولیه آموزش جایگزین روش سخنرانی می‌شوند، کمک می‌کند. در فصل ششم الگوهای تکالیف نوشتاری (مانند خلاصه‌ها، مقالات تحلیلی کوتاه، تمرینات حل مسأله، تکالیف خارج از کلاس و شبیه‌سازیها) ارائه شده است که استادان می‌توانند برای کمک به شاگردان در تمرین تفکر انتقادی خود به کار ببرند. در فصل هفتم توضیحاتی درباره مزایای سبک فردی و شخصی در آموزش داده شده است که در آن استادان شرکت فعال با شاگردان را در امر جداسازی عناصر عینی و ذهنی در تفکر انتقادی جایگزین رفتار «عینی» و مستقل خود می‌کنند. در این فصل، بینشهای ویلیام پری نیز درباره راههایی که از طریق آن عناصر ذهنی در تفکر شاگردان می‌تواند در رشد و پرورش مهارتهای تفکر انتقادی آنها دخالت کند، به طور خلاصه بررسی شده است.

در بخش سوم بر مفهومی وسیعتر از آموزش تفکر انتقادی تأکید می‌گردد که نخست آمادگی استاد و سپس قلمرو و محیط اجتماعی را که در آن تدریس انجام می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد. در فصل هشتم الگویی برای سمینارهای تفکر انتقادی ارائه شده است که در آن استادان رشته‌های مختلف مشترکاً راهبرد آموزش و تکالیف شاگردان را طراحی می‌کنند. این الگو به منزله روشی مؤثر برای آموزش تفکر انتقادی به استادان توسط استادان دیگر است. در فصل آخر خلاصه‌ای از مشکلات ارائه، و رابطه میان آموزش تفکر انتقادی و ارزشهای فرهنگی والاتر بررسی شده است.

اگر چه این کتاب عمدتاً برای استادان دوره‌های کارشناسی طراحی شده است، با این همه می‌تواند برای تمام کسانی که به نگرشهای عملی در آموزش تفکر انتقادی علاقه‌مندند، کاربرد داشته باشد این کتاب برای دبیران و استادان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایجاد راههایی برای بهبود بخشیدن به تواناییهای فکری شاگردان مفید است. فصل مربوط به سمینارهای آموزش (فصل هشتم) می‌تواند بخصوص برای مدیران آموزشی مفید باشد که اغلب باید در جستجوی راههایی برای تشویق و حمایت از

استادان خود در کوشش آنها برای بهبود تواناییهای تدریسان باشند.
امید است که تنوع الگوها و روشهای این کتاب باعث تشویق بحث و تبادل فکری
بیشتر استادان درباره آموزش تفکر انتقادی گردد. اساتید ممتاز چگونگی ارائه مهارتهای
تفکر انتقادی را به طور ضمنی می دانند. آنها می توانند با همکاری و همفکری یکدیگر
در امر بهبود تواناییهای فکری شاگردان خود کارهای بسیاری انجام دهند.

جت مایرز

مینیاپولیس، مینه سوتا

اوت ۱۹۸۶